

مراد عینی آیات وعید بنی اسرائیل در سوره مبارکه اسراء از رهگذر قرآن، حدیث و تاریخ*

علی رضایی کهنمویی^۱

چکیده

آیاتی از سوره مبارکه اسراء، از وعید الهی در خصوص دو افساد بنی اسرائیل و به تبع آن دو عقوبت ایشان سخن گفته‌اند. مقاله حاضر درصدد است به شیوه توصیفی تحلیلی و با استناد به دلایل و شواهد قرآنی، حدیثی و تاریخی، مصداق عینی این وعید را شناسایی نماید.

به نظر می‌رسد افساد اول موعود، افساد کنونی یهود با تشکیل دولت اسرائیل بوده و عقوبت نخست، توسط مجاهدان مسلمان که زمینه‌سازان ظهور حضرت قائم (عج) و منتسب به منطقه ایران‌اند، عینیت خواهد یافت. افساد دوم ایشان نیز - آخرین افساد شاخصشان - همان فتنه موعود دجال خواهد بود و عقوبت دوم توسط امام مهدی (عج) و حضرت عیسی (ع) تحقق خواهد یافت که طبق شواهدی این رخداد در آستانه قیامت خواهد بود. همچنین، بنا به شواهدی منافقان دشمن اهل بیت (ع) نیز در هر دو افساد بنی اسرائیل مدخلیت خواهند داشت.

واژگان کلیدی: سوره اسراء، دو افساد بنی اسرائیل، دو عقوبت بنی اسرائیل، فرجام رژیم اسرائیل.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران / alirk1353@iaukhoy.ac.ir

۱- مقدمه

در آیات فراوانی از قرآن کریم، در خصوص بنی اسرائیل و به تعبیر دیگر، قوم یهود سخن رفته است. همین بسامد، نشانگر اهمیت موضوع است و بایستی انگیزه تأملات بیشتر در این خصوص باشد. چالش ویژه میان اسلام و یهود در دوران معاصر نیز احساس نیاز به واکاوی آیات ناظر بر بنی اسرائیل را دوچندان می‌کند. در این میان، آیاتی از سوره مبارکه اسراء به‌طور ویژه محل توجه است. آیات شریفه ۴ تا ۸ و همچنین، آیه ۱۰۴ این سوره مبارکه از اعلام قطعی الهی در خصوص دو افساد بنی اسرائیل و دو عقوبت ایشان گزارش داده است:

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا * فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا * ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا * إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسُوفُوا وَجُوهَكُمْ وَيَلِدُوا أَلْمَسَ حِدًا كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيَبْتَلُوا مَا عَلَّمُوا تَنْبِيرًا * عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾ (اسراء: ۴-۸)؛

«و حکم نهایی را مقرر نموده و آن را در کتاب به بنی اسرائیل اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در زمین (سرزمین معهود= قدس) افساد خواهید نمود و قطعاً برتری جویی بزرگی مرتکب خواهید شد. در پی آن، آنگاه که (هنگامه عقوبت) موعود اولین (افساد) از آن دو (افساد)، برسد، بندگان برای خودمان را که سخت پیکارگر و دلاورند، علیه شما برانگیخته (و عازم نموده و بر شما مسلط) می‌کنیم تا جایی که میان خانه‌ها را (جهت معجزاتان) تجسس می‌کنند و (این) وعده‌ای محقق است. سپس (تمکن و تحقق) حمله مجدد (و غلبه) بر ایشان را به شما باز می‌گردانیم و با اموال و پسرانی امدادتان می‌کنیم و پیکارگران (اعزامی) (یا: مهاجران) شما را بیشتر قرار می‌دهیم. اگر نیکی کردید به خود نیکی کردید و اگر بدی کردید به خود (کردید) (یا: از آن خودتان است)؛ پس آنگاه که (هنگامه عقوبت) موعود آخرین (افساد) فرارسد (باز همان منتقمان پیشین را برانگیخته و مجدداً بر شما مسلط می‌کنیم) تا چهره‌هایتان را کره کنند (یا: شکست و خواری از رویتان بیارد) و تا به مسجد (الاقصی) داخل شوند همان‌گونه که اول بار داخلش شدند و تا علو ایشان (= بنی اسرائیل) را (یا: آنچه را (منتقمان) بر آن مسلط شدند) یکسره نابود کنند. (بعد از عقوبت دوم) چه بسا پروردگارتان به شما مهر ورزد و اگر (به افساد) بازگردید، (ما نیز به عقوبت) باز می‌گردیم؛ و جهنم را زندانی برای کافران قرار دادیم».

﴿وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا﴾ (اسراء: ۱۷)

۱(۱۰۴)

۱. اکثر مفسرین «وعد الآخرة» را در آیه ۱۰۴ ناظر به قیامت دانسته‌اند؛ ولی به روشنی می‌توان متوجه شد که مراد همان «وعد الآخرة» مطرح در آیه ۷ است؛ چراکه در کل قرآن، تعبیر «وعد الآخرة» تنها در همین دو بار استعمال شده است که هر دو در سوره اسراء و هر دو در خصوص بنی اسرائیل و هر دو مرتبط با «الارض» است و مهم‌تر آنکه هر دو بار، تعبیر مذکور در جمله‌ای یکسان مطرح شده است «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ». علاوه بر آنچه گذشت علامه طباطبایی استفاده از فاء تفریع در آیه ۱۰۴ ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ...﴾ را نیز قرینه‌ای بر ناظر بودن آیه ۱۰۴ بر آیه ۷ دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۲۲۰).

«و بعد از آن (= غرق شدن فرعونیان) به بنی اسرائیل گفتیم: در زمین (سرزمین فرعونیان - یا سرزمین مقدس - یا مطلق سرزمین‌ها) ساکن شوید؛ پس آنگاه که (هنگامه عقوبت) موعود آخرین (افساد) فرارسد شما را (به منطقه قدس) می آوریم درحالی که (= این گونه که) (از مناطق مختلف) یکجا گردآمده‌اید».

مطلب مهم در خصوص این آیات شریفه، کشف مصداق خارجی و مراد عینی آن است که تحقیق حاضر در همین راستاست. به عبارت دقیق‌تر، مقاله حاضر در پی آن است که مصداق عینی پنج عنوان مندرج در آیات را کشف نماید: ۱. مصداق خارجی افساد اول؛ ۲. مصداق خارجی عقوبت اول (و ماهیت عقوبت کنندگان)؛ ۳. مصداق خارجی مرحله بازگشت چیرگی به بنی اسرائیل؛ ۴. مصداق خارجی افساد دوم و ۵. مصداق خارجی عقوبت دوم (و ماهیت عقوبت کنندگان).

ارائه تبیین و تطبیق صحیح و دقیق این آیات شریفه، در دوران معاصر دارای اهمیتی مضاعف است؛ چراکه اولاً، آیات شریفه در مظان ارتباط با چالش بزرگ دنیای کنونی یعنی چالش اسلام و اسرائیل است و تبیین صحیح و دقیق بود یا نبود این ارتباط می‌تواند در راهبردهای امت اسلام در این راستا تأثیر عمیق داشته باشد و ثانیاً، اثبات رابطه مزبور، کاشف از مصداقی نو و مهم از اعجاز قرآن خواهد بود.

در خصوص مصداق خارجی آیات شریفه محل بحث، در تفاسیر مطالب مختلفی بیان شده است. مؤلفان تفاسیر گذشته، عموماً در این خصوص متفق اند که تمام اتفاقات مندرج در این پیشگویی الهی، پیش از اسلام تحقق یافته است (از جمله ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۷، صص ۳۵۷-۳۸۸ / بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۸۴ / ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴، صص ۲۴-۳۲)؛ اما بعد از تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ م، برخی محققان به تطبیقات جدیدی در خصوص آیات شریفه رهنمون شدند. برخی، افساد و عقوبت اول را مربوط به پیش از اسلام و افساد دوم را ناظر به دولت فعلی اسرائیل دانسته‌اند (از جمله: شیخو، ۲۰۰۷، صص ۱۱۸-۱۲۵ / حوی، ۱۴۲۴، ج ۶، صص ۳۰۳۹-۳۰۴۰ / جرار، بی تا، صص ۱۴-۲۰ / میدانی، ۱۴۲۳، ج ۱، صص ۵۵۱-۵۶۲) و برخی دیگر، افساد و عقوبت نخست را ناظر بر جریانات تقابل میان پیامبر اکرم (ص) و یهود مدینه و افساد دوم را ناظر بر فتنه کنونی دانسته‌اند (از جمله: تمیمی، بی تا، صص ۱۶-۲۰ / شعراوی، ۱۹۹۷، ج ۱۳، صص ۸۳۴۳-۸۳۷۵ / کورانی، ۱۳۸۲، صص ۶۷-۷۲) و برخی دیگر، تشکیل دولت کنونی اسرائیل را بر افساد اول تطبیق نموده و سایر مراحل را مربوط به آینده دانسته‌اند (از جمله: فتلاوی، ۱۳۸۵، صص ۲۵۸-۲۷۵ / مرتضی عاملی، ۱۴۳۳، صص ۲۰۰-۴۱۳).

حال پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی تحلیلی و با تمرکز بر نکات و اشارات مندرج در آیات شریفه و همچنین، با نگاه جامع‌نگرانه به احادیث مرتبط با این حوزه و گزارش‌های تاریخی مرتبط با بحث، نوکاوشی در خصوص مصداق‌یابی آیات شریفه ارائه نماید و بر این اساس به این برآورد رسیده است که قریب به اتفاق دیدگاه‌های ارائه شده دارای اشکالات کلان و خرد هستند هرچند دیدگاه اخیر مطرح شده در پیشینه، در همین حد که افساد اول را بر تشکیل دولت کنونی اسرائیل منطبق دانسته، با دیدگاه نگارنده همراه است ولی باز در جزئیات و تعیین مصادیق دیگر متفاوت است. کوتاه سخن آنکه تحقیق حاضر به فضل الهی، حرف‌های تازه و دقیق‌تر و مستندتری در راستای مسئله تحقیق ارائه نموده است.

۲- مطابقت افسادِ نخست با افساد کنونی

با توجه به ظاهر آیات شریفه و واقعیات تاریخ بنی اسرائیل، به نظر می‌رسد افساد کنونی یهود که از مهم‌ترین مراحل تبلورش، تشکیل رژیم غاصب اسرائیل در ۱۹۴۸م و اشغال شهر قدس در ۱۹۶۷م است، تحقق خارجی افساد نخست مطرح شده در آیات شریفه باشد.

۲-۱- دلایل و شواهد

در ادامه، دلایل و شواهد مطابقت افسادِ نخست با افساد کنونی ارائه می‌گردد:

۲-۱-۱- ناهماهنگی فسادهای پیشین بنی اسرائیل با اوصاف دو افساد موعود

ظاهر آیات شریفه، حاکی از چند ویژگی در دو افساد بنی اسرائیل است:
 الف) سخن از دو افساد توأم با علو و برتری و سلطه کبیر است: ﴿... وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾.
 ب) سخن از دو افساد منتسب به کلیت بنی اسرائیل است؛ چراکه به طور مطلق به بنی اسرائیل منتسب شده است: ﴿قَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ...﴾.

ج) سخن از دو افساد دولتی و حاکمیتی است؛ چراکه مکرر تبادل چیرگی و سلطه میان بنی اسرائیل و «عباداً لنا» همراه با دست به دست شدن اماکن و مسجد مطرح شده است که حاکی از سلطه و حکومت بنی اسرائیل در منطقه دو افساد است.

د) سخن از دو افساد در منطقه قدس است و ظاهراً در هر دو افساد، مسجدالاقصی توسط «عباداً لنا» فتح می‌شود: ﴿وَلْيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾ (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۷، صص ۲۳۴-۲۳۹).
 از سوی دیگر، افسادی با این مشخصات در تاریخ پیشین بنی اسرائیل قابل مشاهده نیست، زیرا بنی اسرائیل در ادوار پیشین کلاً در دو دوره دارای حکومت مستقل بوده‌اند:

دوره نخست با پیروزی طالوت بر جالوت و در ادامه آن، پادشاهی حضرت داود (ع) بر بنی اسرائیل و تعیین اورشلیم به عنوان پایتخت آغاز شد و با حکومت استثنایی و خارق‌العاده حضرت سلیمان (ع) ادامه یافت، ولی بعد از رحلت حضرت سلیمان (ع) بنی اسرائیل دچار تفرقه شدند و ده سبط از دوازده سبط ایشان، کشور مستقل اسرائیل یا افرایم را در شمال منطقه قدس تشکیل دادند و دو سبط یهودا و بنیامین تحت عنوان مملکت یهودا حاکمیت بر قدس را ادامه دادند. مملکت شمالی در ۷۳۳ ق.م توسط امپراتوری آشور نابود شد و مملکت جنوبی - که نسبت به مملکت شمالی کوچک‌تر و فقیرتر و در امان‌تر از بیگانگان بود - در سال ۵۸۷ ق.م توسط بخت نصر پادشاه دوم امپراتوری نو بابل نابود گشت (ر.ک: مسیری، ۱۹۹۹، ج ۸، صص ۵۳-۵۸).

دومین دوره حکومت بنی اسرائیل - که باز در قدس تحقق یافت - به دوران مگابیان مربوط است؛ بعد از نابودی مملکت یهودا توسط بخت نصر، منطقه قدس حدود ۴۸ سال در سیطره حکومت بابل بود و پس از آن، با پیروزی کورش هخامنشی بر بابل، حدود ۲۰۸ سال در اختیار امپراتوری ایران قرار گرفت؛ بعد از آن نیز در جریان کشورگشایی اسکندر مقدونی ۷ سال در دست یونانیان واقع شد و بعد از آن ۱۲۳ سال در دست

مصریان و ۵۸ سال در اختیار سلوکیان سوریه بود (ر.ک: کریمیان، ۱۳۸۴، ص ۴۵۸). تا آنکه در همین دوران، انتیوخوس چهارم - حاکم سلوکی سوریه - در صدد تضعیف و پایمال نمودن یهود برآمد و در هیکل سلیمان مذبحی برای قربانی‌های بت‌های یونانیان ساخت که به دنبال آن، یهودیان به رهبری یهودای مکابی علیه سلوکیان شوریدند و نهایتاً، مکابیان توانستند به استقلال برسند و حدود ۷۰ سال (۱۴۲ ق.م - ۷۰ ق.م) بر قدس حاکم شوند. این حکومت نیز با تسلط رومیان بر فلسطین خاتمه یافت (ر.ک: همو، ص ۴۵۸/ زعیترا، ۱۳۶۲، صص ۶۴-۶۶).

از این دو دوره حکومت مذکور، دولت مکابیان، با توجه به منشأ پیدایش و عملکردشان بعد از پیدایش، نه به‌عنوان جریانی افسادی و نه به‌عنوان جریانی استکباری قابل طرح است و کسی نیز تاکنون افسادهای مطرح‌شده در آیات شریفه را به این دوران تطبیق نداده است؛ اما دوران حکومت اول بنی اسرائیل بر قدس، به شهادت عهد عتیق، دورانی پر از فساد بوده و سرنگونی آن توسط بخت نصر نیز بارها در کلام انبیای بنی اسرائیل به‌عنوان عقوبت فسادهای ایشان مطرح شده است (برای نمونه ر.ک: کتاب اول پادشاهان، ۱۴: ۲۲- ۲۴ و مراثی ارمیا، ۱: ۸-۱۸). همین عامل ریشه اشتباه اکثر مفسران پیشین و همچنین، برخی از علمای معاصر در تطبیق افساد اول به شمار می‌رود. دقت در گزارش‌های تاریخی از حاکمیت نخست بنی اسرائیل در منطقه قدس روشن می‌کند که آن نیز قابل تطبیق بر دولت مُفسد موعود در آیات نیست، زیرا آیات شریفه از افسادی دولتی، توأم با علو و سلطه کبیر (نسبت به غیر بنی اسرائیل) در منطقه قدس سخن می‌گوید در حالی که بر اساس شواهد، علو و قهاریت در دوران دولت نخست بنی اسرائیل نمودی نداشته است. این شواهد عبارتند از:

الف) طبق گزارش‌های تاریخی بعد از پایان دوران طلایی حکومت مقتدرانه حضرت داود (ع) و حضرت سلیمان (ع)، و تقسیم مملکت بنی اسرائیل، دو کشور شمالی (اسرائیل) و جنوبی (یهودا) در شرایطی نبودند که نسبت به دیگران برتری و سیطره داشته باشند، بلکه در موضع ضعف قرار داشته و فراوان مورد تعدی و تجاوز مصریان و آرامیان و آشوریان و بابلیان قرار می‌گرفتند و در مقاطع متعدد، حکومتشان فاقد استقلال و موظف به پرداخت جزیه به قدرت‌های منطقه بود (ر.ک: کتاب اول پادشاهان، ۱۲-۲۵/ کتاب دوم تواریخ، ۱۰-۳۶/ مسیری، ۱۹۹۹، ج ۸، صص ۵۳-۵۸).

ب) در عهد عتیق بارها از زبان انبیای مختلف به عوامل ویرانی اورشلیم و اسارت بابلی پرداخته شده است که اصلی‌ترین آن رغبت بنی اسرائیل به شرک‌ورزی و بت‌پرستی مطرح شده (مثلاً ر.ک: کتاب دوم پادشاهان، ۲۱: ۱۱-۱۶/ حزقیال، ۸: ۵-۱۶ و ارمیا، ۱: ۱۵-۱۶) و در مرحله بعد شرارت ایشان در سرزمینشان از قبیل قتل و خونریزی و رشوه و زنا و ظلم به ضعفا و بی‌عدالتی مطرح گشته است (مثلاً ر.ک: حزقیال، ۷: ۲۳/ ارمیا، ۵: ۱-۱۰)؛ حال آنکه اگر فساد بنی اسرائیل در این مقطع همان افساد علوآمیز مورد اشاره در سوره اسراء و استکبار نسبت به غیر بنی اسرائیل بود، می‌بایست در بیان انبیای بنی اسرائیل نیز همین مطلب به‌عنوان عامل عقوبت مورد تأکید قرار می‌گرفت!

با توجه به آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که بنی اسرائیل در دوران پیشین هیچ افسادی که قابل تطبیق با دو افساد موعود در آیات سوره اسراء باشد نداشته‌اند.

۲-۱-۲- دولت کنونی اسرائیل، حائز شاخصه‌های افساد موعود در آیات

دولت کنونی اسرائیل به‌روشنی دارای تمام ویژگی‌های موجود در افساد موعود در آیات است و افساد دولتی توأم با علو در منطقه قدس در وجود این حکومت تبلور یافته است.

۲-۱-۲-۱- برخی نمودهای علوآمیز بودن افساد اسرائیل

در این بخش به برخی از نمودهای علوآمیز بودن افساد اسرائیل اشاره می‌شود:

۲-۱-۲-۱-۲- اشغال سرزمین دیگران و قتل و تبعید ایشان

عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی و مذهبی دست به دست هم دادند تا نهایتاً حزب صهیونیسم تشکیل شد و با حمایت انگلیس در فلسطین اقتدار یافت و در ۱۹۴۸م با اشغال اراضی اعراب، تشکیل دولت اسرائیل را اعلام نمود (ر.ک: زعیتز، ۱۳۶۲: ۹۵-۳۴۶). صهیونیست‌ها قبل و بعد از تشکیل اسرائیل، بارها اقدام به کشتار مردم عادی نموده‌اند که در یک مورد آن مردم روستای کفر قاسم اعم از زنان و کودکان را قتل عام نموده و جنازه‌هایشان را مثله کردند (مثلاً ر.ک: همو: ۳۳۷). در همان سال‌های آغازین، صدها هزار نفر مردم مجبور شدند خانه و مزارع و تمام زندگی خود را ترک کرده و تا آخر عمر آواره و در فقر و سختی بمانند. طبق سرشماری انجام‌گرفته، در آستانه تشکیل اسرائیل حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ عرب در فلسطین ساکن بودند (زعیتز، ۱۳۶۲، ص ۴۲) که قریب ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر از این تعداد آواره شدند! (همو، ص ۳۹۷). تعداد آوارگان، مدام افزایش یافته است تا جاییکه آمار آژانس امدادسانی و کاریابی آوارگان فلسطینی وابسته به سازمان ملل (آنروا) به حدود ۶ میلیون آواره فلسطینی تا سال ۲۰۱۸ اشاره می‌کند. این تعداد تقریباً نیمی از جمعیت فلسطینیان جهان را تشکیل می‌دهد که تعداد آن‌ها حدود ۱۳ میلیون نفر است (خبرگزاری تسنیم، ۹۸/۳/۳۰، کد خبر: ۲۰۳۶۹۴۲).

۲-۱-۲-۱-۲- عطش توسعه سرزمینی

علیرغم اشغالگری‌های گسترده‌ای که صهیونیست‌ها تاکنون انجام داده‌اند، بارها ابراز نموده‌اند که این مقدار اراضی تنها بخشی از اسرائیل موردنظر ایشان است! به‌عنوان نمونه، یکی از رهبران صهیونیسم در ۱۹۵۲م در پارلمان اسرائیل گفت: «لازم است ما با صراحت از هم‌اکنون بگوییم که هدف ما از اینکه با این سرعت و عجله تمام یهود دنیا را به طرف دولت اسرائیل می‌کشیم این است که مملکتی با وسعت بین عراق و سوئیس ایجاد نماییم!» (زعیتز، ۱۳۶۲، ص ۴۴۲) و بر این اساس شعار رسمی پارلمان اسرائیل این جمله است: «ای اسرائیل حدود تو از فرات است تا نیل» (همو، ص ۴۴۳).

۲-۱-۲-۱-۳- نژادپرستی

تأکید بر نژاد، پایه و سنگ بنای اصلی رژیم صهیونیستی است.^۱ بسیاری از مؤسسان درجه اول اسرائیل و متولیان بعدی آن افرادی سکولار و بعضاً، بی‌دین بوده‌اند که تأکیدشان صرفاً، بر ساماندهی نژاد یهود بوده است (ر.ک: زیدآبادی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۷-۱۰۹). متولیان دین‌دار امور اسرائیل نیز نگاهی کاملاً نژادی دارند و پایه اصلی یهودی بودن را پیوند نژادی با قوم یهود می‌دانند (ر.ک: همو، صص ۱۴۴-۱۴۸). ماهیت نژادپرستانه رژیم اسرائیل به حدی واضح است که علیرغم تمام اعمال نفوذهای قدرت‌های حامی اسرائیل، مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه ۳۳۷۹ رژیم صهیونیستی را به نژادپرستی محکوم کرد (ر.ک: صفاتاج، بی‌تا، صص ۹۱-۱۰۱). اخیراً کابینه رژیم صهیونیستی با تصویب لایحه دولت-ملت یهود که تلاشی برای رسمی و قانونی کردن همین خط‌مشی مستعمل ولی نانوشته است، نمودی روشن از نژادپرستی را مبنی بر اینکه «رژیم اشغالگر قدس کشور قوم یهود است و یهودیان در آن حق تعیین سرنوشت دارند» ابراز نمود (خبرگزاری مهر، تیرماه ۱۳۹۷، کد خبر: ۴۳۴۳۴۱۳).

۲-۱-۲-۱-۴- گردن‌کشی در قبال کل دنیا

اشغالگری، جنایت و نژادپرستی رژیم صهیونیستی مسأله‌ای نیست که صرفاً مسلمانان یا اعراب در مقابلش جبهه گرفته باشند؛ بلکه کل دنیا نگران آن‌اند. علیرغم فشارها و ممانعت‌های قدرت‌های حامی اسرائیل و در رأس آن‌ها آمریکا، تاکنون ده‌ها و بلکه صدها قطعنامه و بیانیه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و شورای امنیت و دیگر نهادهای جهانی علیه اسرائیل صادر شده است (برای نمونه بنگرید به مجموعه ۹ جلدی «قرارات الأمم المتحدة بشأن فلسطين والصراع العربي - الإسرائيلي»؛ طبق سندی که اخیراً از جانب سازمان ملل منتشر گشته، رژیم صهیونیستی با ۲۱ بار محکومیت در مجمع عمومی سازمان ملل در این زمینه با فاصله زیاد از دیگران رکورددار است به نحوی که ۵ کشور رتبه بعدی هرکدام تنها یک‌بار سابقه محکومیت دارند (خبرگزاری قدسنا، ۶ دی‌ماه ۱۳۹۷، کد خبر: ۳۲۲۵۳۹). با این وجود، رژیم صهیونیستی با اتکا به قدرت‌های حامی و به‌ویژه آمریکا، ترتیب اثری به درخواست‌ها و محکومیت‌های جهانی نداده است. در این میان، آمریکا نیز تاکنون علاوه بر سایر اقدام‌ها و اعمال فشارها در مجامع بین‌المللی به نفع اسرائیل، بیش از ۴۰ بار به نفع اسرائیل از حق وتو استفاده نموده است (مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، <https://farsi.palinfo.com/news/2017/12/24/43>).

۲-۱-۳- استعمال لفظ (مسجد)

آیه شریفه ۷ سوره اسراء از دو بار دخول «عباداً لنا» به «مسجد» خبر داده است که مراد از «مسجد» در آن، همان مسجدالاقصی و در اصطلاح یهودی‌اش هیکل یا معبد سلیمان است (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۷، صص ۲۳۸)؛ اما استعمال واژه «مسجد» در این آیه می‌تواند اشارتی باشد بر اینکه دو بار دخول مزبور در دوران

۱. شایان ذکر است که نژادپرستی، در میان یهود خصلتی دیرین است (برای مشاهده اشاراتی قرآنی در این خصوص بنگرید به: هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۳۳، ص ۵۸۴) که در دولت کنونی‌شان به طور ویژه فرصت بروز یافته است.

اسلام و زمانی که معبد مزبور مسجدی برای مسلمانان شده است رخ خواهد داد (ر.ک: خطیب، ۱۴۲۴، ج ۸، ص ۴۵۰). در این صورت، طبعاً افساد اول چیزی غیر از افساد اخیر نمی‌تواند باشد چراکه پیش از این موردی نبوده که مسلمانان طی جنگ مسجدالاقصی را از یهودیان بگیرند!

توجه به نکات ذیل در توضیح ارتباط واژه «مسجد» با اسلام ضروری است:

الف) سجده عبادتی است که در میان مسلمانان جلوه ویژه دارد؛ چنانکه به فرموده قرآن یکی از اوصاف اصلی مسلمانان حقیقی که در تورات آمده، سجده است (فتح: ۲۹/۴۸).

ب) با اینکه ظاهراً تمام معابد ادیان توحیدی را می‌توان تحت عنوان «مسجد» جمع نمود (بنگرید به: اعراف: ۳۱/۷)؛ ولی در مقام تفصیل، قرآن کریم ظاهراً عنوان «مسجد» را در مقابل صوامع راهبان و بیع مسیحیان و صلوات یهودیان، خاص عبادتگاه مسلمانان مطرح فرموده است (حج: ۴۰/۲۲؛ ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۷۳/ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۳۸۲).

۲-۱-۴- هماهنگی مخاطبه با تعبیر «بنی اسرائیل» با ماهیت مفسدان کنونی

از نکات قابل تأمل در بررسی آیات شریفه آن است که چرا خدای سبحان در این وعید، مخاطب را «بنی اسرائیل» قرار داده است و نه مثلاً «الذین هادوا» یا «اهل الکتاب»؟ از وجوه قوت و شواهد صدق تطبیق افساد نخست به افساد فعلی، سازگاری آن با استعمال این تعبیر است. توضیح آنکه «بنی اسرائیل» عنوانی است که بیشتر ناظر به یک نژاد است تا یک دین و اتفاقاً متولیان تشکیل اسرائیل و مردمان مجتمع شده در اسرائیل نیز بیشتر تکیه بر هویت نژادی دارند تا هویت دینی! در خصوص تفکر سکولار بسیاری از معماران صهیونیسم پیش‌تر به اجمال اشارتی رفت؛ اما در خصوص یهودیان مجتمع شده در اسرائیل نیز طبق پژوهش‌های آماری، تنها ۳۰ درصد مذهبی بوده و ۷۰ درصد باقی غیرمذهبی هستند! (زیدآبادی، ۱۳۸۱، ص ۸/همچنین ر.ک: همو، ص ۱۶۸). در آماری جدیدتر نیز همین نسبت باز خود را نشان می‌دهد. اداره مرکزی آمار اسرائیل در آستانه آغاز سال جدید عبری (۵۷۶۹) اعلام نموده که ۴۴/۳ درصد خود را غیرمذهبی یا سکولار، ۲۱/۴ درصد سنتی (نه خیلی مذهبی)، ۱۲/۳ درصد سنتی-مذهبی، ۱۱/۵ درصد مذهبی و ۱۰/۲ درصد حریدی (مذهبی افراطی) معرفی می‌کنند (<http://hakirya2040.com>).

۱۴/۶/۹۷، کد خبر: ۳۰۵۶). روشن است که مخاطبه با چنین بافتی که تجمعی بیشتر حول محور نژاد است تا دین، مناسب است که با تعبیر ناظر بر نژاد و خطاب «یا بنی اسرائیل» باشد.

شایان ذکر است اگر هم بنا به برخی نظرات ابراز شده، انتساب نژادی بخشی از یهود اسرائیل به بنی اسرائیل نخستین منتفی باشد (مثلاً ر.ک: ابکار سقاف، ۱۹۹۷، ص ۳۴۸/مسیری، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۷-۱۹)، باز مخاطب ساختن ایشان با تعبیر «بنی اسرائیل» مشکلی نخواهد داشت؛ چراکه با توجه به حساسیت همیشگی بنی اسرائیل نسبت به خلوص نژادی، گویا اختلاط‌های محدود سایر نژادها به نحوی بوده که هضم در بنی اسرائیل اتفاق بیافتد و نهایتاً، ایشان نیز به نوعی جزء نژاد بنی اسرائیل شده‌اند و به همین جهت است که آوازی به عنوان نژادی دیگر، از میان ایشان شنیده نمی‌شود (در این خصوص ر.ک: سومبارت، ۱۳۸۴، صص ۲۹۳-۳۳۲/گزارش با عنوان: «پژوهش بزرگ ژن‌شناسی نشان می‌دهد که یهودیان دنیا دارای ژن مشابه

بوده و در خاورمیانه ریشه دارند»، سایت وزارت خارجه اسرائیل، ۱۱/۷/۲۰۱۰،
(<https://mfa.gov.il/MFAFA/IsraelExperience/Society/Pages/110710>).

۳- منتقمان وعده نخست، زمینه‌سازان حکومت امام مهدی (عج)

برای شناسایی مصداق صحیح انتقام اول و مجریان آن، از چند منظر می‌توان به بحث نگریست:

۳-۱- اوصاف منتقمان افساد اول در قرآن کریم

قرآن کریم با عبارت ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ (اسراء: ۱۷/۵)، سه ویژگی «مبعوث الهی بودن» و «عباداً لنا بودن» و «دارای بَأْسِ شَدِيدٍ بودن» را به منتقمان افساد اول نسبت می‌دهد که دو ویژگی اول ظاهراً بیانگر مقام ایمان و بندگی منتقمان بوده (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۸، صص ۲۰۷-۲۱۳) و ویژگی سوم بیانگر دلاوری و جنگاوری ایشان است.^۱

۳-۲- ماهیت منتقمان افساد اول در روایات

در حوزه روایات، در دو حیطة می‌توان به بررسی پرداخت؛ اول در حوزه روایاتی که ذیل همین آیات شریفه وارد شده‌اند و دوم در روایات ملاحم.

۳-۲-۱- ماهیت منتقمان، در روایات وارده ذیل آیات شریفه محل بحث

در ذیل آیات شریفه محل بحث، در منابع شیعه هشت روایت منتسب به حضرات معصومین ع وارد شده و یک روایت نیز در تفسیر قمی بدون انتساب صریح به معصوم آمده است. روایات مزبور همگی دارای ضعف سندی بوده و از حیث محتوایی نیز، غیر از دو روایت (تطبیقات ۳ و ۴ آتی)، حتی با حمل به حوزه باطن یا حمل به جری و تطبیق، با مُفاد حاصل از سیاق آیات تعارض داشته و غیر قابل استناد به معصوم هستند (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۹، صص ۱۵۸-۱۷۲). در روایات مزبور، چهار مورد تطبیق در خصوص منتقمان اول مشاهده می‌شود:

تطبیق ۱: (... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)... ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دِمِ الْحُسَيْنِ (ع) ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ﴾ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع) فَلَا يَدْعُونَ وَتَرَأَىٰ لَأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلَهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۶)؛ «امام صادق (ع) فرمود: ... و مراد از «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» آن است که «آنگاه که (وعده) نصرت خون حسین (ع) برسد»؛ و مراد از «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» قومی است که خداوند آن‌ها را قبل از خروج قائم (ع) برمی‌انگیزد که هیچ‌کسی را که جنایتی بر آل محمد (ص) نموده است رها نمی‌کنند مگر اینکه به قتل برسانند».

۱. برخی نویسندگان سعی نموده‌اند آیات بیانگر استبدال در حوزه اسلام (از جمله: مانده: ۵۱/۵-۵۶) یا آیه آخر سوره فتح را نیز مرتبط با «عباداً لنا»ی مذکور در آیات محل بحث بیان نمایند (ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۱۰۰-۱۸۴/ الامیر، ۲۰۱۶، ص ۵۱۷).

تطبیق ۲: تفسیر قمی بدون انتساب صریح به معصوم (ع): «...﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا﴾ یعنی یومَ الْجَمَلِ ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ یعنی امیر المؤمنین (ع) و أصحابه...» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۴)؛ «مراد از وعده اول روز جمل است و مراد از بندگان دارای باس شدید امیر مؤمنان (ع) و یاران اوست».

تطبیق ۳: «عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: كَانَ يَقْرَأُ ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ ثُمَّ قَالَ: وَهُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۸۱)؛ «... امام محمدباقر (ع) آیه ﴿بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾ را می خواند. آنگاه فرمود: مراد (از مبعوثان) قائم (ع) و یارانش هستند که سخت جنگاور و دلاورند».

تطبیق ۴: علامه مجلسی از کتاب تاریخ قم چنین نقل نموده است: «رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ فَقُلْنَا جَعَلْنَا فِدَاكَ مَنْ هُوَ لَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۷، ص ۲۱۷)؛ «یکی از شیعیان نقل می کند: نزد امام صادق (ع) نشسته بودم که حضرت این آیه را خواند. پرسیدیم: فدایت شویم منظور چه کسانی هستند؟ سه بار فرمود: به خدا قسم اهل قم هستند».

حال توجه به چند نکته لازم است:

الف) علیرغم ضعف روایات منتسب به اهل بیت (ع) ذیل این آیات شریفه، نکته ای که وجود دارد اشتراک روایات مزبور- از جمله چهار روایت فوق الذکر- در سه مضمون است: مضمون «ناظر بودن آیات وعید بر حوادثی بعد از نزول قرآن کریم»، مضمون «ارتباط میان آیات مزبور با موضوع امام زمان (عج)» و مضمون «ارتباط میان آیات مزبور با جریان تقابل میان اهل ولایت و دشمنان ایشان». به همین جهت این احتمال شکل می گیرد که اجمالاً سه مضمون مزبور، در خصوص آیات شریفه، از حضرات معصومین (ع) صادر شده باشد (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۹، صص ۱۷۲-۱۷۳).

ب) تطبیق ۲ به روشنی ربطی به بحث بنی اسرائیل ندارد و منتفی است و اساساً چنانکه گذشت منتسب به معصوم نشده است.

ج) انتساب عقوبت نخست به امام زمان (ع) در تطبیق ۳ صحیح نیست؛ چراکه بنا به ماحصل روایات متعدد، اولاً ورود حضرت به شهر قدس با جنگ همراه نخواهد بود و ثانیاً سیر امام (عج) به سمت قدس بعد از مرحله سیطره سفیانی بر آن مناطق بوده و اساساً، در آن هنگام قدس دست یهود و بنی اسرائیل نخواهد بود (ر.ک: طبسی، ۱۳۹۷، ص ۸۵ و ۱۵۴/ عبدالواحد، ۱۴۲۳، صص ۱۲-۱۴/ فتلاوی، ۱۴۲۱، ص ۲۵۲). بر این اساس تطبیق ۳، اشکال دارد و محتمل است که در اصل روایت، صرفاً اصحاب امام زمان (عج) مطرح شده و در مسیر نقل، تحریف رخ داده باشد.

د) در تطبیق ۴، قم می تواند اشاره به موطن یاران امام زمان (عج) و زمینه سازان ظهور آن حضرت باشد چنانکه در روایتی وجه تسمیه قم، یاری قائم آل محمد (ص) مطرح شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷،

ص ۲۱۶) و دیگر اینکه بنا به روایتی، قم می‌تواند اشاره‌ای کنایه‌آمیز به کل ایران به‌عنوان مرکز پیروان اهل بیت (ع) باشد (ر.ک: همو، ج ۵۷، ص ۲۱۶/فتلاوی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۶).
با لحاظ نکات فوق، اجمالاً می‌توان به این برداشت رسید که گویا اهل بیت (ع) انتقام اول را از ناحیه مؤمنان مجاهد اهل ولایت به مرکزیت قم (ایران) مطرح فرموده‌اند.

۳-۲-۲- ماهیت منتقمان، با توجه به دیگر روایات ملاحم

در میان روایات ملاحم، احادیث «رایات سود» (پرچم‌های سیاه) در ارتباط با آیات وعید بنی اسرائیل جلب توجه می‌کند^۱ چراکه هم‌راستا با روایات بخش قبل، صاحبان رایات سود، از ناحیه مشرق و خراسان، اهل ولایت، زمینه‌ساز قیام امام مهدی (عج) و شجاع و شکست‌ناپذیر معرفی شده‌اند (ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۱۹۳ و ۱۹۷ و ۲۰۱-۲۰۴ و ۲۵۳) و مقصد نهایی ایشان قدس بیان شده است!
بنا به روایتی رسول خدا (ص) فرمود: «تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تَنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ»^۲ یعنی بَيتَ الْمَقْدِسِ «(ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۵۳۱/در خصوص روایات دیگر در این مورد ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۲۰۴-۲۰۶)؛ «از خراسان پرچم‌های سیاهی خارج می‌شود که چیزی نمی‌تواند آن را برگرداند تا اینکه در بیت المقدس برافراشته شود».

البته، با توجه به اینکه بر اساس روایاتی، جریان رایات سود با جریان ظهور امام (عج) پیوند خواهد خورد (مثلاً ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۲۱۶-۲۱۹) و بنا به روایات، امام (عج) قصد قدس خواهد فرمود (ر.ک: فتلاوی، ۱۳۸۷، صص ۳۲۲-۳۲۳)، این احتمال وجود دارد که مراد از رفتن رایات سود به قدس، رفتن در معیت امام مهدی (عج) باشد که این سیر امام (عج) در زمان حاکمیت و افساد یهود در قدس و برای سرکوب افساد ایشان نخواهد بود، زیرا - همان‌طور که قبلاً اشاره شد - بنا به ماحصل روایات متعدد، ورود حضرت به شهر قدس با جنگ همراه نخواهد بود. همچنین، سیر امام (عج) به سمت قدس بعد از مرحله سیطره سفیانی بر آن مناطق خواهد بود. حال، اگر احتمال مزبور درست باشد، تطبیق صاحبان رایات سود بر منتقمان از بنی اسرائیل سخت خواهد شد؛ اما قرائنی موجود است که صاحبان رایات سود قبل از ظهور امام (عج) نیز قصد قدس کرده و آنجا را فتح خواهند نمود که در این صورت تطبیق حرکت ایشان به عقوبت اول، کاملاً مظنون می‌گردد. یکی از قرائن فتح قدس توسط رایات سود قبل از ظهور امام (عج)، روایات حاکی از اخراج صاحبان رایات سود از منطقه قدس توسط سفیانی است (ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۲۰۹-۲۱۱) که با توجه به مضمون مشترک روایات متعدد، روشن است که چنین اتفاقی مربوط به قبل از ظهور می‌تواند باشد؛ چراکه بعد از فتح قدس توسط امام (عج) چنین عقب‌نشینی رخ نخواهد داد.

با توجه به تحلیل فوق و با عنایت به روایاتی دیگر در مورد رایات سود، اجمالاً این احتمال قابل طرح است که ایشان، انتقام اول از بنی اسرائیل را تحقق خواهند بخشید؛ ولی در پی آن، در منطقه شام غوغایی برپا شده و پرچم‌های مختلف در عرصه حضور خواهند یافت که نهایتاً سفیانی پیروز معرکه شده و صاحبان رایات

۱- در خصوص ارزیابی کلی این روایات نظرات مختلفی وجود دارد. (ر.ک: فتلاوی، ۱۴۱۸، (کل کتاب)/طبسی، ۱۳۹۴، (کل متن)/ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۶، صص ۶۰-۶۹/سجادی طلب، ۱۳۹۶، صص ۲۲۲-۲۲۳).

سود را از قدس بیرون خواهد کرد (ر.ک: همو، ۱۳۸۶، صص ۲۷۹-۲۸۸) و در ادامه بعد از چند ماه امام عج قیام فرموده (ر.ک: آیتی، ۱۳۸۴، صص ۶۶-۷۲) و طی مراحل نهیاًتاً وارد قدس خواهند شد (ر.ک: کورانی، ۱۳۸۲، صص ۲۷۷-۳۳۶).

۴- آغاز افساد دوم با بازگشت چیرگی به بنی اسرائیل

با توجه به آنچه در خصوص ماهیت و مصداق افساد و عقوبت اول و «عباداً لنا» مطرح شد، روشن است که چیرگی مجدد بنی اسرائیل بر «عباداً لنا» بعد از عقوبت نخست، عین افساد بوده و بایستی همان آغاز افساد نهایی تلقی گردد!

۵- افساد نهایی به رهبری دجال

روایات متعددی مخصوصاً از ناحیه اهل سنت در خصوص دجال و ظهور او در آخرالزمان وارد شده است. بر اساس روایات روشن است که ظهور دجال در دوران حکومت امام مهدی (عج) خواهد بود و در نهایت فتنه دجال، حضرت مسیح (ع) رجعت خواهند نمود و به همراه امام مهدی (عج)، دجال و یاران یهودی اش را به هلاکت خواهند رساند (مثلاً ر.ک: ناصری، ۱۴۲۷، صص ۲۰۹-۲۱۱ و ۲۵۹). به نظر می رسد بازگشت چیرگی به بنی اسرائیل و افساد نهایی ایشان، منطبق بر همان فتنه دجال باشد.

۵-۱- گزاره‌های حاکی از تطابق افساد دوم با فتنه دجال

در ادامه ضمن ارائه گزاره‌هایی در خصوص فتنه دجال و افساد دوم، دلیل برداشت مزبور تبیین می‌گردد.

۵-۱-۱- رابطه دجال با یهود

در چندین روایت بر ارتباط فتنه دجال با یهود تأکید شده است. بنا به آنچه در روایات آمده، دجال فردی منتسب به یهود است (مسلم، بی تا، ج ۴، صص ۲۲۴۲/صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۲۶) و رکن اصلی و اکثریت همراهان و یارانش نیز یهودی‌اند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۵۲۷ و ۵۲۹/مسلم، بی تا، ج ۴، صص ۲۲۶۶). همچنین، براساس مفاد برخی روایات، در آخرالزمان جنگی نهایی میان مسلمانان و یهود رخ خواهد داد که در این جنگ، رهبری یهود با دجال است و طی این جنگ، خدای تعالی یهود را منهزم خواهد فرمود (از جمله: ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۹، صص ۲۵۵).

گذشته از روایات، دلایل دیگری نیز بر منتسب بودن دجال به یهود وجود دارد؛ به نوشته دایرة المعارف یهود، از دیدگاه مسیحیت، دجال اساساً فرزند زنی یهودی است. در محافل مسیحی ظاهری مسلک شایع است که دجال یهودی‌ای از سوریه خواهد بود که مدعی می‌شود مسیح موعود است. از دیدگاه ایشان دجال، هیکل (معبد سلیمان) را بنا خواهد کرد و رُم را ویران خواهد ساخت و پنجاه سال همراه شیطان بر زمین حکم خواهد راند، اگرچه رأی غالب بر این است که سه و نیم سال فراتر نمی‌رود و در تمام این کارها یهودیان یاری اش خواهند نمود (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، صص ۱۵۶-۱۵۷).

۵-۱-۲- عظمت فتنه دجال

در روایاتی از فتنه دجال با تعبیری نظیر بزرگ‌ترین فتنه بشریت یاد شده است (تویجری، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۶۸) و اینکه تمام انبیا قومشان را از او انذار داده‌اند (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۷۱).

۵-۱-۳- فتنه دجال، جهان‌شمول و قرین استکبار

فتنه دجال فتنه‌ای جهانی و مستکبرانه است. روایاتی از پیامبر اکرم (ص) وارد شده است که بر اساس آن‌ها دجال همه‌جا را درمی‌نوردد و به همه‌جا غیر از مکه و مدینه وارد می‌شود (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۶۴/بخاری، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۲. البته در برخی روایات اماکن دیگری نیز مطرح شده است. ر.ک: ابن حماد، ۱۴۱۲، ج ۲، صص ۵۶۲-۵۶۵). استکبار دجال در حدی است که بنا به روایاتی ادعای ربوبیت خواهد نمود (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۶۰) و منکران را خواهد کشت (مسلم، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۵۶).

۵-۱-۴- ماهیت و اوصاف دو افساد بنی اسرائیل

پیش‌تر اشاره شد که آیات شریفه محل بحث، از دو افساد حاکمیتی توأم با علو و سلطه‌گری بزرگ، از ناحیه بنی اسرائیل سخن می‌گوید. در اینجا لازم است اجمالاً به این نکات نیز اشاره شود که اولاً با توجه به تعبیر ﴿لَتَفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ و ﴿وَعَدُ الْآخِرَةِ﴾، دو افساد محل بحث، منحصر به فرد بوده و بعد از افساد دوم، بنی اسرائیل امکان افساد دیگری با این شاخصه‌ها نخواهند داشت (برای تفصیل ر.ک: رضایی، ۱۳۹۷، صص ۲۳۳ و ۲۳۵).

ثانیاً از برخی تعبیر آیات شریفه می‌توان استظهار نمود که بعد از عقوبت دوم، بنی اسرائیل همواره زیر سیطره قهارانه «عباداً لنا» خواهند ماند (برای اطلاع بیشتر ر.ک: همان، صص ۲۴۳ و ۲۴۹).

۵-۱-۵- حاصل گزاره‌ها

برآیند مجموع چهار گزاره‌ای که پیش از این مطرح شد آن است که ظاهراً مراد از افساد دوم بنی اسرائیل، همان فتنه ایشان به رهبری دجال است، چراکه اولاً فتنه دجال اصالتاً فتنه‌ای یهودی است؛ ثانیاً فتنه موعود دجال کاملاً هماهنگ با افساد مستکبرانه و جهان‌شمول موعود بنی اسرائیل است و ثالثاً اگر افساد دوم چیزی غیر از فتنه دجال و مربوط به پیش از آن باشد تعداد افسادهای شاخص بنی اسرائیل بیش از دو بار گشته و افساد دوم افساد نهایی ایشان نخواهد بود.

۵-۱-۶- يك اشكال و پاسخ آن

با عنایت به جمله ﴿وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾، مرکزیت افساد بنی اسرائیل، منطقه مسجد (مسجد الاقصی) خواهد بود (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۷، صص ۲۳۷-۲۳۹). حال در خصوص تطبیق افساد دوم بنی اسرائیل بر فتنه دجال، اشکالی قابل طرح است و آن اینکه بنابر این فرضیه، لازم می‌آید دجال بر قدس چیره گردد و اساساً مرکز افسادش قدس باشد و حال آنکه چنین چیزی در روایات قطعی نیست.

در پاسخ این اشکال بایستی توجه نمود که اساساً روایات ناظر به دجال دارای آشفتگی است و از جمله بحث استقرار دجال در قدس نیز در روایات محل اختلاف است. برخی روایات متضمن ورود و استقرار دجال در قدس^۱، و برخی دیگر حاکی از عدم دخول دجال به قدس است^۲؛ حال مطالبی که پیش تر در خصوص رابطه فتنه دجال با افساد نهایی بنی اسرائیل مطرح شد می تواند قرینه ای باشد بر ترجیح روایات ظاهر در اشغال قدس توسط دجال.

۶- انتقام نهایی توسط امام مهدی (عج) و حضرت عیسی (ع)

بنا بر روایات متعدد، نابودی دجال توسط حضرت عیسی (ع) و امام مهدی (عج) خواهد بود (مثلاً ر.ک: ناصری، ۱۴۲۷، صص ۲۰۹-۲۱۱). لذا اگر افساد دوم ناظر به فتنه دجال باشد، روشن است که انتقام دوم توسط آن دو وجود مبارك تحقق خواهد یافت. علاوه بر قرائنی که پیش تر در خصوص رابطه دجال با افساد دوم مطرح شد (که طبعاً قرینه این بخش نیز هستند)، قرائن دیگری نیز در مورد تطبیق اخیر قابل طرح است.

۶-۱- قرائن روایی

ذیلاً به روایاتی که می تواند قرینه ای بر تحقق انتقام دوم توسط امام مهدی (عج) و حضرت عیسی (ع) باشد اشاره می گردد.

۶-۱-۱- روایات وارده ذیل آیات شریفه

پیش تر اشاره شد که روایات شیعی در ذیل آیات شریفه سوره اسراء، علی رغم ضعف سندی و بعضاً محتوایی، در سه مضمون مشترک اند که این امر، احتمال صدور اصل این مضامین از اهل بیت (ع) را تقویت می نماید. یکی از مضامین مزبور «ارتباط میان آیات مزبور با موضوع امام زمان (عج)» است. در خصوص این مضمون، یک وجه، ارتباط انتقام اول با زمینه سازان ظهور امام زمان (عج) بود که پیش تر بیان شد؛ ولی وجه روشن تر و قوی تر در تطبیق انتقام دوم به امام (عج) نمود پیدا می کند.

جالب آنکه، ذیل عبارت شریفه ﴿... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ حِثْنَا بِكُمْ لَفِيْفًا﴾ (اسراء: ۱۷/۱۰۴) روایتی از ابن عباس نقل شده که (وعد الآخرة) را خود حضرت عیسی (ع) دانسته است! (طبری، ۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۷۴/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۴، ص ۳۱۷/همچنین ر.ک: ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۴۰).

۱. مانند روایاتی که حاکی از آن اند که دجال همه جا را جز مکه مکرمه و مدینه منوره درمی نوردد (مثلاً: صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۶۴/بخاری، ۱۴۱۰، ج ۳، صص ۲۷۹-۲۸۰). روشن است که روایات مزبور بر دخول دجال به قدس دلالت دارد. همچنین بنا به روایتی از رسول خدا (ص)، در جنگ با دجال مسلمانان در شرق رود اردن و دجال در غرب آن خواهد بود (هیشمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۴۸). این روایت نیز ظاهر در اشغال قدس توسط دجال است.

۲. مانند روایاتی که اماکن مستثنا از دخول دجال را شامل بیت المقدس نیز می دانند (نک. ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳۹، ص ۸۹).

۶-۱-۲- روایت وارده در خصوص ارتباط سوره اسراء با امام زمان (عج)

بنا به روایتی، هر کس هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل (اسراء) را بخواند، قبل از مرگش حضرت قائم (عج) را درک می‌نماید و از یارانش می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۱۰۷). روایت مزبور حاکی از ارتباط سوره اسراء با قیام امام زمان (عج) است. حال به نظر می‌رسد قضیه‌ای که می‌تواند کل سوره مبارکه را رنگ مهدوی بدهد ارتباط آیات وعید بنی اسرائیل با موضوع مهدویت است (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴). نمود عینی این ارتباط نیز چنانکه در عنوان پیشین گذشت تحقق انتقام دوم توسط امام (ع) می‌تواند باشد.

۶-۲- رابطه انتقام دوم با فرجام یهود

چنانکه قبلاً اشاره شد، از تعبیر ﴿لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ﴾ و ﴿وَعَدُ الْآخِرَةِ﴾، می‌توان استفاده نمود که دو افساد محل بحث، منحصر به فرد بوده و بعد از افساد دوم، بنی اسرائیل امکان افساد دیگری با این شاخصه‌ها نخواهند داشت. در تکمیل مطلب می‌توان به این نکات نیز اشاره نمود که بعد از عقوبت دوم باب توبه و اسلام آوردن بر بنی اسرائیل باز خواهد بود و البته، امکان افسادهای جزئی نیز خواهند داشت (اسراء: ۸/۱۷) اما به هر حال تا قیامت زیر سیطره قهار اسلام خواهند بود (برای اطلاع بیشتر ر.ک: رضایی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳ و ۲۴۹) و اساساً بعد از رجعت عیسی (ع) (در هنگامه عقوبت دوم)، انتساب رسمی و علنی به هیچ دینی غیر از اسلام ممکن نخواهد بود (ر.ک: همو، ۱۳۹۱(ب)، صص ۱۱۹-۱۲۳) و از طرف دیگر بعد از رجعت و پیش از رحلت حضرت عیسی (ع)، اهل کتاب همگی حقانیت آن حضرت (و در نتیجه حقانیت امام مهدی (عج) و دین اسلام) را باور خواهند کرد (نساء: ۴/۱۵۹) و به این باور، اعتراف و التزام خواهند داشت؛ هر چند التزام برخی از ایشان منافقانه بوده و تا قیامت به مقام تسلیم باطنی نخواهند رسید (ر.ک: همو، ۱۳۹۱(الف)، صص ۱۳۷-۱۶۳).

۶-۳- رابطه «وعد الآخرة» با آغاز قیامت

مطلب دیگری که در ادامه بحث از انتقام دوم شایان توجه است، احتمال قرب میان انتقام دوم و وقوع قیامت است که در ادامه قرائن آن ارائه می‌گردد:

۶-۳-۱- تعبیر «وعد الآخرة»

پیش‌تر اشاره شد که یک نکته مستفاد از ظاهر تعبیر ﴿وَعَدُ الْآخِرَةِ﴾ (اسراء: ۱۷/۱۰۴)، آن است که افساد دوم بنی اسرائیل آخرین افساد بنی اسرائیل با شاخصه‌های مطرح شده خواهد بود؛ اما ای بسا نکته دیگری هم در تعبیر مزبور مندرج باشد که عبارت است از قرب وعده مزبور به قیامت! چراکه واژه «آخرة»، ۱۱۵ بار در قرآن کریم استعمال شده است که غیر از دو مورد مذکور در آیات وعید و مورد مذکور در آیه ۷ سوره ص و آیه ۴ سوره ضحی که محل اختلاف است، تمام موارد ظاهراً ناظر به روز قیامت است. برخی از نویسندگان نیز این برداشت را اظهار نموده‌اند (الرفاعی، بی‌تا، ص ۷).

۶-۳-۲- آیات و روایات حاکی از قرب رجعت حضرت عیسی (ع) و حضرت مهدی (عج)

به قیامت

در خصوص مراد از آیه شریفه ﴿وَإِنَّهُ لَعَلَّمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا...﴾ (زخرف: ۴۳/۶۱)، چند نظر مطرح شده است که به نظر می‌رسد محکم‌ترین نظر عبارت است از اینکه رجعت حضرت عیسی (ع) نشانه نزدیکی وقوع قیامت است (ر.ک: رضایی، ۱۳۹۱ (الف)، صص ۱۵۸-۱۶۲). در روایاتی چند نیز بر نشانه نزدیکی قیامت بودن ظهور دجال و رجعت حضرت عیسی (ع) تأکید شده است (ر.ک: همو، صص ۱۵۶-۱۵۷). در خصوص امام زمان (عج) نیز شواهدی روایی وجود دارد حاکی از اینکه چهل روز بعد از رحلت امام (عج) قیامت برپا خواهد شد (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۸۷/طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۹۵/میر لوحی، ۱۴۲۶، صص ۶۸۳-۶۸۶).

۷- ارتباط دشمنان اهل بیت (ع) با دو افساد یهود

قرائن و شواهدی وجود دارد حاکی از اینکه دشمنان اهل بیت (ع)، که طیف شاخصی از منافقان متظاهر به اسلام هستند (برای نمونه ر.ک: مسلم، بی تا، ج ۱، ص ۸۶)، در دو افساد موعود بنی اسرائیل به نوعی دخیل خواهند بود.

اساساً یک حکمت اشارات مکرر قرآن کریم به بنی اسرائیل آن است که قصه ایشان قصه امت اسلام است و نظیر ابتلائات ایشان در امت اسلام نیز اتفاق می‌افتد؛ چنانکه بنا بر روایت منتسب به پیامبر (ص) حوادث ایشان نظیر به نظیر برای امت اسلام نیز اتفاق خواهد افتاد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۳/بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۶۹). با نگاه از این زاویه به آیات بنی اسرائیل نکات مهم فراوانی بدست می‌آید؛ اما در خصوص آیات و وعید بنی اسرائیل گویا مطلب فراتر از این است و چنین نیست که ارتباطش با امت اسلام صرفاً از باب جری و تطبیق باشد، بلکه احتمالاً چنانکه گذشت منافقان داخل در امت اسلام مباشرتاً در دو افساد بنی اسرائیل ایفای نقش خواهند داشت و این تقدیری شگفت است چراکه گویا مقدر است عقوبت اساسی و نهایی بنی اسرائیل مُفسد، با عقوبت منافقان داخل در امت اسلام یکجا اتفاق بیافتد!

۷-۱- قرائن ارتباط دشمنان اهل بیت (ع) با دو افساد بنی اسرائیل

ذیلاً چهار قرینه در خصوص ارتباط دشمنان اهل بیت (ع) با دو افساد موعود بنی اسرائیل ارائه می‌گردد.

۷-۱-۱- مضمون مشترک روایات شیعی وارد ذیل آیات وعید

پیش‌تر گذشت که روایات شیعی در ذیل آیات وعید، علیرغم ضعف سندی و بعضاً محتوایی، در سه مضمون مشترک‌اند که این امر، احتمال صدور اصل این مضامین از اهل بیت (ع) را تقویت می‌نماید. یکی از مضامین مزبور «ارتباط میان آیات مزبور با جریان تقابل میان اهل ولایت و دشمنان ایشان» است.

۷-۱-۲- ولایت مداری منتقمان افساد اول

با مراجعه مجدد به تطبیقی که پیش‌تر در خصوص منتقمان اول با رجوع به آیات و روایات مطرح شد، می‌توان مشاهده نمود که یک وصف بارز ایشان اهل ولایت بودن است؛ تا جایی که برخی روایات مربوطه، ایشان را خونخواه اهل بیت (ع) و زمینه‌سازان ظهور قائم آل محمد (ص) معرفی نموده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰۶/فتلاوی، ۱۴۱۸، صص ۲۰۱-۲۰۴).

۷-۱-۳- واقعیات سیاسی دنیای معاصر

اگر چنانکه ترجیح داده شد، افساد اول بنی اسرائیل افساد فعلی ایشان باشد، ارتباط ایشان با برخی حکام جهان اسلام که دشمن اهل ولایت هستند اکنون امری عینی است و نوعی اتحاد و هماهنگی و همراهی میان رژیم صهیونیستی با برخی حکام جوامع اسلامی، علیه علمداران مبارزه با صهیونیسم، که غالباً اهل ولایت‌اند، کاملاً مشهود است.

۷-۱-۴- ارتباط فتنه دجال با دشمنان اهل بیت (ع)

در خصوص افساد دوم نیز که طبق ترجیح فوق‌الذکر، بنی اسرائیل به رهبری دجال انجام خواهند داد، باز قرآنی از اتحاد میان افساد بنی اسرائیل با جریان نفاق دشمن اهل بیت (ع) موجود است؛ از جمله در چند روایت، بر ایمان آوردن دشمنان اهل بیت (ع) به دجال تأکید شده است! (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۰/ کورانی، ۱۴۳۶، ص ۲۴ و ۲۵) و انتقام آن نیز، چنانکه گذشت، با رهبری «امام» مجاهدان مسلمان «اهل ولایت» در معیت حضرت مسیح (ع) خواهد بود.

نتیجه‌گیری

۱. افساد نخست موعود بنی اسرائیل، افساد کنونی ایشان با تشکیل اسرائیل است.
۲. طبق قرآنی عقوبت نخست ایشان توسط مجاهدان مؤمن زمینه‌ساز ظهور، به مرکزیت قم خواهد بود.
۳. افساد دوم ایشان همان فتنه دجال خواهد بود.
۴. افساد دوم ایشان آخرین افساد شاخصشان بوده و بعد از آن تا قیامت تحت سیطره قهارانه منتقمان مسلمان خواهند ماند.
۵. انتقام الهی دوم، به دست حضرت قائم (عج) و حضرت مسیح (ع) تحقق خواهد یافت و این رخداد در آستانه قیامت خواهد بود.
۶. در این دو افساد و دو عقوبت، به طرز شگفتی سرنوشت بنی اسرائیل و منافقان دشمن اهل بیت (ع) درهم‌تنیده خواهد بود.
۷. یافته‌های تحقیق حاضر، از منظری دیگر، کشف نمونه‌ای از اعجاز قرآن از حیث غیب‌گویی است که تحقق آن بعد از ۱۴ قرن آغاز شده است.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت‌الله؛ سفیانی از ظهور تا افول؛ قم: ثانی عشر، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن حماد، نعیم؛ کتاب الفتن؛ به کوشش سمیر زهیری، قاهره: مکتبه التوحید، ۱۴۱۲ق.
۳. ابن حنبل، احمد بن محمد؛ مسند أحمد بن حنبل؛ به کوشش عبدالله التركي، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحرير والتنوير؛ تونس: دار سحنون للنشر والتوزيع، ۱۹۹۷م.
۵. ابن کثیر، اسماعیل؛ تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۶. الامیر، بهاء؛ شفرة سورة الإسراء؛ بنو اسرائیل والحركات السرية فی القرآن؛ قاهره: مکتبه مدبولی، ۲۰۱۶م.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ الجامع المسند الصحيح المختصر (صحيح البخاری)؛ به کوشش محمد زهیر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۸. برقی، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ به کوشش جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۹. بیضاوی، عبدالله؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ مصر: مکتبه مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۹۵ق.
۱۱. تمیمی، اسعد؛ زوال اسرائیل حتمیة قرآنیة؛ قاهره، بی تا.
۱۲. تویجری، حمود بن عبدالله؛ إتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن والملاحم وأشرط الساعة؛ ج ۲، ریاض: دار الصمیعی، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد؛ الكشف و البیان (تفسیر ثعلبی)؛ محقق: ابن عاشور، ابی محمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۴. جرار، بسام؛ زوال اسرائیل عام ۲۰۲۲ م، نبوة أم صَدَف رَقْمِیة؛ بی جا، بی تا، بی نا.
۱۵. حَوّی، سعید؛ الأساس فی التفسیر؛ قاهره: دار السلام، ۱۴۲۴ق.
۱۶. خطیب، عبدالکریم؛ التفسیر القرآنی للقرآن؛ بیروت: دار الفكر العربی، ۱۴۲۴ق.
۱۷. رضایی، علی؛ «اجل یهود؛ پایان دنیا یا رجعت عیسی (ع)؟»؛ مشرق موعود، سال ششم، ش ۲۲، ۱۳۹۱ش (الف).
۱۸. _____؛ «ارزیابی و تحلیل روایات وارده ذیل آیات وعید بنی اسرائیل در سوره مبارکه اسراء»؛ مشرق موعود، سال چهاردهم، ش ۵۳، ۱۳۹۹ش.
۱۹. _____؛ «غلبه نهایی اسلام بر ادیان»؛ مشرق موعود، سال ششم، ش ۲۳، ۱۳۹۱ش (ب).
۲۰. _____؛ «بررسی تفسیری واژه‌ها و تعبیرهای مهم آیات وعید بنی اسرائیل در سوره اسراء»؛ مطالعات تفسیری؛ سال دهم، ش ۳۸، ۱۳۹۸ش.
۲۱. _____؛ «مُقَاد آیات وعید بنی اسرائیل»؛ مطالعات قرآن و حدیث، سال دوازدهم، ش ۲۳، ۱۳۹۷ش.
۲۲. رفاعی، عدنان؛ نهاية اسرائیل فی القرآن الکریم، بی جا: بی تا، بی نا.
۲۳. ری شهری، محمد (و همکاران)؛ دانشنامه امام مهدی (عج)؛ ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۳ش.

۲۴. زعیترا، اکرم؛ سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار؛ ترجمه: علی اکبر هاشمی رفسنجانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۵. زیدآبادی، احمد؛ دین و دولت در اسرائیل؛ تهران: روزنگار، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. سجادی طلب، محمدرضا؛ «دفاع از احادیث نشانه های ظهور»؛ مشرق موعود، ش ۴۳، ۱۳۹۶ ش.
۲۷. سقاف، ابکار؛ اليهود و عقیده الارض الموعودة؛ ج ۲، قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۷ م.
۲۸. سومبارت، ورنر؛ یهودیان و حیات اقتصادی مدرن؛ مترجم: رحیم قاسمیان، چ ۲، تهران: نشر ساقی، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، بیروت، اخبار الیوم، ۱۹۹۷ م.
۳۰. شیخو، محمد امین؛ السید المسيح رسول السلام، یلوح بالافق؛ دمشق: دار النور بشیر، ۲۰۰۷ م.
۳۱. صفاتاج، مجید؛ نژادپرستی صهیونیسم؛ بی جا: انتشارات فلسطین، بی تا.
۳۲. صدوق، محمد بن علی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ج ۲، قم: دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۳۳. _____؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ به کوشش علی اکبر غفاری، چ ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۵ ق.
۳۴. _____؛ من لا یحضره الفقیه؛ به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۶. طبری، فضل بن حسن؛ إعلام الوری بأعلام الهدی؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۳۷۶ ش.
۳۷. طبری، امحمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. طیبی، نجم الدین؛ «رایات سود - اقتباس از درس خارج آیت الله طیبی»؛ بی جا، بی نا، ۱۳۹۴ ش.
۳۹. _____؛ سرنوشت یهود در عصر ظهور امام زمان (ع) (برگرفته از درس خارج کلام استاد نجم الدین طیبی)، بی جا، بی نا، ۱۳۹۷ ش.
۴۰. عبدالواحد، خالد؛ نهیة اسرائیل والولايات المتحدة الأمريكية؛ ج ۳، بی جا، بی نا، ۱۴۲۳ ق.
۴۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ التفسیر؛ به کوشش هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
۴۲. فتلاوی، مهدی؛ ثورة الموطئین للمهدی (عج) فی ضوء احادیث اهل السنة؛ ج ۲، لبنان: دار الوسیلة، ۱۴۱۸ ق.
۴۳. فتلاوی، مهدی؛ سقوط اسرائیل؛ ترجمه: محمد باقر ذوقدر، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۴۴. فتلاوی، مهدی؛ علامات المهدی المنتظر فی خطب الإمام علی و رسائله و أحادیثه؛ قم: دار الهادی، ۱۴۲۱ ق.
۴۵. کتاب مقدس شامل عهد عتیق و عهد جدید (ترجمه تفسیری)؛ بی جا، بی نا، بی تا.
۴۶. کریمیان، احمد؛ یهود و صهیونیسم؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. کورانی، علی؛ عصر ظهور؛ ترجمه: جلالی، عباس، تهران: چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۲ ش.
۴۹. _____؛ المعجم الموضوعی لاحادیث الإمام المهدی (عج)؛ ج ۷، قم: نشر معروف، ۱۴۳۶ ق.
۵۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۵۱. مرتضی عاملی، سید جعفر؛ *اسرائیل... فی آیات سورة بنی اسرائیل*؛ لبنان: المركز الاسلامی للدراسات، ۱۴۳۳ق.
۵۲. مسلم بن الحجاج؛ *المسند الصحيح المختصر (صحيح مسلم)*؛ به كوشش محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۳. مسیری، عبدالوهاب؛ *موسوعة اليهود واليهودية والصهيونية*؛ قاهره: دار الشروق، ۱۹۹۹م.
۵۴. _____؛ *دایرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*؛ ترجمه: موسسه پژوهش های تاریخ خاورمیانه، تهران: فجر اسلام، ۱۳۸۳ ش.
۵۵. مفید، محمد بن محمد؛ *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ به كوشش مؤسسة آل البيت (ع)، قم: دار المفید، ۱۳۷۲ ش.
۵۶. میدانی، عبدالرحمن حسن حبنکه؛ *معارض التفكير ودقائق التدبر*؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۲۳ق.
۵۷. میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد؛ *كفاية المهتدی فی معرفة المهتدی (ع)*؛ قم: دار التفسیر، ۱۴۲۶ق.
۵۸. ناصری، محمد امیر؛ *الأحاديث المشتركة حول الإمام المهتدی*؛ تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، ۱۴۲۷ق.
۵۹. هاشمی، اکبر؛ *فرهنگ قرآن*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۶۰. هیثمی، علی بن ابی بکر؛ *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*؛ به كوشش حسام الدين القدسی، قاهره: مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ق.